

# مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی: پایایی، روایی و تحلیلی عاملی<sup>۱</sup>

محمدعلی بشارت<sup>۲</sup>

الهه رنجبر کلاگری<sup>۳</sup>

## چکیده

**زمینه:** آماده‌سازی مقیاسی معتبر برای سنجش نیازهای بنیادین روان‌شناختی در جامعه ایرانی یکی از نیازهای پژوهشی محسوب می‌شود. **هدف:** هدف اصلی این پژوهش بررسی پایایی، روایی و تحلیل عاملی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی بود. **روش:** ۵۷۴ دانشجو (۲۷۳ پسر، ۳۱۱ دختر) از دانشگاه‌های شهر تهران به صورت داوطلب در این پژوهش شرکت کردند. از آزمودنی‌ها خواسته شد مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی (BNSG-S؛ گنیه، ۲۰۰۳)، پرسشنامه تجدید نظر شده شخصیت آیسنک (EPQ-RS؛ آیسنک، آیسنک و بارت، ۱۹۸۵)، فهرست عواطف مثبت و منفی (PANAS؛ واتسون، کلازک و تلگن، ۱۹۸۸) و مقیاس سلامت روانی (MHI-28؛ بشارت، ۱۳۸۸) را تکمیل کنند. **یافته‌ها:** نتایج تحلیل عاملی اکتشافی، علاوه بر عامل کلی ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی، سه عامل خود پیروی، شایستگی و تعلق (پیوستگی) را برای مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی تأیید کرد. روایی همگرا و تشخیصی (افترقی) مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی از طریق محاسبه ضرایب همبستگی زیر مقیاس‌های آن با ابعاد برون‌گرایی و نوروگرایی شخصیت، عواطف مثبت و منفی، و شاخص‌های سلامت روانی در مورد آزمودنی‌ها بررسی شد. نتایج ضرایب همبستگی پیروان نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در زیر مقیاس‌های ارضای نیازهای بنیادین عمومی با شاخص‌های برون‌گرایی، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی همبستگی مثبت معنادار و با شاخص‌های نوروگرایی، عاطفه منفی و درماندگی روان‌شناختی همبستگی منفی معنادار وجود دارد. این نتایج، روایی همگرا و تشخیصی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را تأیید می‌کنند. همسانی درونی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی برحسب ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شد و با ضرایب همبستگی از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ مورد تأیید قرار گرفت. پایایی بازآزمایی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی بر اساس نتایج دو بار اجرای آزمون محاسبه شد و با ضرایب همبستگی از ۰/۶۷ تا ۰/۷۷ برای زیرمقیاس‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفت. **بحث و نتیجه‌گیری:** بر اساس نتایج این پژوهش، فرم فارسی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی برای سنجش این سازه در نمونه‌های ایرانی از پایایی و روایی کافی برخوردار است.

**واژگان کلیدی:** مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی (BNSG-S)، پایایی، روایی، تحلیل عاملی اکتشافی، روان‌سنجی

۱. این تحقیق در قالب طرح پژوهشی شماره ۵۱۰۶۰۰۳/۱/۴۵ با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است.

besharat@ut.ac.ir

۲. استاد گروه روانشناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۳. کارشناس ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

## مقدمه

نظریه‌های مختلف روان‌شناسی، نیازهای انسان را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. این نیازها در سطوح متفاوت مورد توجه قرار گرفته‌اند. در بین نیازهای متعدد انسانی، نیازهای بنیادین، به دلایل مختلف، از جمله ثبات و استحکام آنها در طول زمان؛ تأثیرات عمیق و اساسی آنها بر رفتار و شخصیت؛ نقش تعیین‌کننده آنها در مراحل رشد و تحول؛ و روی هم رفته پیامدهای مثبت و منفی آنها در زمینه‌های درون شخصی و بین شخصی، جایگاه و اهمیت ویژه دارند و مرکز توجه پژوهشگران و محور اصلی مباحث نظریه‌های نیاز محور روان‌شناختی قرار داشته‌اند. بعضی از محققان نیازهای انسان را ذاتی<sup>۱</sup> می‌دانند (برای مثال، دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ هال، ۱۹۴۳)، در حالی که به اعتقاد بعضی دیگر، نیازها اکتسابی هستند و در طول زمان آموخته می‌شوند (برای مثال، مک کلند، ۱۹۶۵؛ موری، ۱۹۳۸). مشابه این اختلاف نظر در مورد ماهیت این نیازها نیز وجود دارد. در حالی که بعضی از محققان نیازها را ماهیتاً روان‌شناختی می‌دانند (مثل نیاز به برتری<sup>۲</sup> در نظریه موری، ۱۹۳۸)، بعضی دیگر معتقدند که نیازها ماهیتی فیزیولوژیک دارند (مثل نیاز به غذا در نظریه هال، ۱۹۴۳). بعضی از نظریه‌پردازان نیز معتقدند که نیازها ماهیتی ترکیبی، یعنی فیزیولوژیک و روان‌شناختی، دارند (برای مثال، مزلو، ۱۹۷۰).

یکی از رویکردهایی که نیازهای بنیادین را مورد بررسی قرار داده است، نظریه خودتعیینی گری<sup>۳</sup> است این نظریه سه نیاز خود پیروی<sup>۴</sup>، شایستگی<sup>۵</sup> و تعلق<sup>۶</sup> (پیوستگی) را بنیادین می‌داند. خودتعیینی‌کنندگی یکی از ظرفیت‌های جهان شمول است و مبنای اعمال و رفتارهای ارادی محسوب می‌شود. خودتعیینی‌کنندگی اصالتاً وقتی محقق می‌شود که شخص احساس کند می‌تواند رفتارهایش را خودش انتخاب کند و خودش تعیین‌کننده

- 
1. innate
  2. dominance
  3. self-determination theory
  4. autonomy
  5. competence
  6. relatedness

اعمال و هدف‌هایش باشد (دسی و رایان، ۱۹۸۵، ۲۰۰۰). طبق نظریه خودتعیینی‌گری، افراد تمایلی ذاتی برای رشد<sup>۱</sup> و یکپارچگی<sup>۲</sup> دارند. تمایل به کشف ارتجالی محیط، کنجکاوی و دنبال کردن فعالیت‌های ذاتاً چالش‌انگیز و رضایت‌بخش، نمودهایی از این تمایل هستند (دسی و رایان، ۱۹۸۵، ۲۰۰۰). بر اساس نظریه خودتعیینی‌گری، معیار اصلی یک نیاز بنیادین این است که مستقیماً بر بهزیستی روان‌شناختی<sup>۳</sup> و رشد روان‌شناختی<sup>۴</sup> تأثیر بگذارد (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ رایان و دسی، ۲۰۰۰ الف، ج ۲۰۰، ۲۰۰۲). به همین دلیل، از نقطه نظر این رویکرد، تمایل به پیشرفت<sup>۵</sup> و داشتن حرمت خود<sup>۶</sup>، نیاز محسوب نمی‌شوند زیرا مستقیماً بر بهزیستی روان‌شناختی تأثیر مثبت ندارند (بارد، دسی و رایان، ۲۰۰۴؛ رایان و دسی، ۲۰۰۰ ج).

در نظریه‌های نیاز محور، میل به خود آغازگری در تنظیم اعمال شخصی و این که فرد احساس کند پیامدهای رفتاری وی توسط خود او تعیین شده است، نیاز خود پیروی نامیده می‌شود (دیچارمس، ۱۹۶۸؛ دسی و رایان، ۱۹۸۵). این احساس، در مقابل احساس تحت کنترل و اجبار بودن برای اعمال شخصی قرار می‌گیرد. احساس شایستگی در مواجهه و تعامل با محیط، قابلیت اجرای وظایف مختلف و توان خلق آثار مطلوب و ممانعت از آثار نامطلوب، نیاز شایستگی نامیده می‌شود (رایان و دسی، ۲۰۰۲؛ وایت، ۱۹۵۹؛ هارتر، ۱۹۷۸). احساس برخورداری از روابط اجتماعی رضایت‌بخش و حمایتگر، علاقمندی و تعلق داشتن به دیگران، نیاز تعلق (پیوستگی) نامیده می‌شود (بامیستر و لیری، ۱۹۹۵؛ رایان و دسی، ۲۰۰۲؛ هارلو، ۱۹۵۸). نظریه‌پردازان خودتعیینی‌نگر (برای مثال، دسی و رایان، ۲۰۰۰)، این نیازها را ذاتی و روان‌شناختی می‌دانند.

پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که ارضای نیازهای بنیادین، پیامدهای مثبت متعدد

- 
1. growth
  2. integration
  3. psychological well-being
  4. psychological growth
  5. achievement
  6. self-esteem

مثل بهزیستی، عملکرد و پشتکار دارد و از پیامدهای منفی مثل ناخوش احوالی و ترک درمان جلوگیری می‌کند (برای مثال، شلدون، الیوت، کیم و کسر، ۲۰۰۱). بر اساس یافته‌های پژوهشی موجود، ارضای نیازهای بنیادین خودپیروی، شایستگی و تعلق با بهزیستی (ریس، شلدون، گیل، روسو و رایان، ۲۰۰۰؛ شلدون و نیمیک، ۲۰۰۶)، رضایت از زندگی (می‌یر، انستورم، هارسویت، بولس و بیورس، ۲۰۰۷)، آرزوها (نیمیک، رایان و دسی، ۲۰۰۹)، و حرمت خود (توگرسن - تومانی و تومانیس، ۲۰۰۷) رابطه مثبت و با افسردگی (وی، فیلیپ، شافر، یانگ و زاکالیک، ۲۰۰۵) و اضطراب (دسی، رایان، گنیه، لئون، یوسانو و کورنازوا، ۲۰۰۱) رابطه منفی دارد. نظریه خود تعیین‌گری تصریح می‌کند که برای تحقق بهزیستی روان‌شناختی هر سه نیاز باید برآورده شوند (دسی و رایان، ۲۰۰۰). ارضای یک یا دو نیاز از سه نیاز بنیادین، سلامت روانی را تضمین نمی‌کند و حتی می‌تواند آسیب‌زا باشد (دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ رایان، ۱۹۹۵). با توجه به ارزش تبیینی مفهوم نیازهای بنیادین در چارچوب نظریه‌های روان‌شناختی و نقش تعیین‌کننده آنها در رشد و تحول بهنجار و آسیب‌شناسی روانی، موضوع سنجش این نیازها اهمیت و ضرورت پیدا می‌کند.

گنیه (۲۰۰۳)، مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی<sup>۱</sup> (BNSG-S) را با اقتباس از مقیاس ارضای نیازهای بنیادین در کار<sup>۲</sup> (BNSW-S) برای سنجش ارضای نیازهای بنیادین به طور کلی تدوین شد. در پژوهش‌های قبلی که از BNSG-S برای اندازه‌گیری نیازها استفاده شده است، هم نمره کلی ارضای نیازهای بنیادین محاسبه شده است (برای مثال، گنیه، ۲۰۰۳) و هم نمره سه زیرمقیاس خود پیروی، شایستگی و تعلق به عنوان سه نیاز متمایز (برای مثال، گنیه، ۲۰۰۳؛ نیمیک و رایان و دسی، ۲۰۰۹). در این پژوهش‌ها، همسانی درونی<sup>۳</sup> نمره کلی ارضای نیازهای BNSG-S از ۰/۸۴ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (گنیه، ۲۰۰۳؛ می‌یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ونستینکیس، لنس، سوننس و لاکس، ۲۰۰۶؛ وی و همکاران، ۲۰۰۵). همسانی درونی زیرمقیاس‌های BNSG-S برای خود پیروی از

1. The Basic Needs Satisfaction in General Scale (BNSG-S)

2. The Basic Needs Satisfaction at Work Scale (BNSW-S)

3. internal consistency

۰/۶۱ تا ۰/۸۱، برای شایستگی از ۰/۶۰ تا ۰/۸۷ و برای تعلق از ۰/۶۱ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (تورگرسن - تومانی و تومانیس، ۲۰۰۷؛ کانروی و کوتسورث، ۲۰۰۷ الف، ۲۰۰۷ ب؛ کشدان، جولین، مریت و اوسوات، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹؛ گنیه، ۲۰۰۳؛ می یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ نیمیک و همکاران، ۲۰۰۹؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶؛ وی و همکاران، ۲۰۰۵).

نتایج مقدماتی مربوط به همبستگی بین زیرمقیاس‌های BNSG-S نیز تا حدودی تمایز سه نیاز بنیادین خود پیروی، شایستگی و تعلق را تأیید کرده‌اند. همبستگی‌های بین خود پیروی و شایستگی از  $r = 0.46$  تا  $r = 0.72$ ، بین خود پیروی و تعلق از  $r = 0.33$  تا  $r = 0.79$  و بین شایستگی و تعلق از  $r = 0.27$  تا  $r = 0.80$  گزارش شده است (تورگرسن - تومانی و تومانیس، ۲۰۰۷؛ کانروی و کوتسورث، ۲۰۰۷ الف، ۲۰۰۷ ب؛ کشدان و همکاران، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹؛ گنیه، ۲۰۰۳؛ می یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶؛ وی و همکاران، ۲۰۰۵). علاوه بر دامنه همبستگی‌های بین زیرمقیاس‌ها، روابط متفاوت بین زیرمقیاس‌های BNSG-S و معیارهای بیرونی<sup>۱</sup> نیز از جمله شواهد مقدماتی در جهت تأیید تمایز نیازهای بنیادین محسوب می‌شوند.

بر اساس نتایج پژوهش‌های انجام شده با مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی، نمره کلی BNSG-S با بهزیستی (ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶)، شادکامی، خود شکوفایی و رضایت از زندگی (می یر و همکاران، ۲۰۰۷)، حمایت‌های اجتماعی و والدینی (گنیه، ۲۰۰۳) رابطه مثبت و با افسردگی، اضطراب و فقدان اعتماد به خود (می یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶) رابطه منفی نشان داده است. در سطح زیرمقیاس‌ها نیز بین نمره‌های سه زیرمقیاس BNSG-S و شاخص‌های سلامت و بیماری همبستگی‌های منطبق با تعریف نظریه خود تعیینی گری از ارضای نیازهای بنیادین تأیید شده است. ارضای نیازهای خود پیروی، شایستگی و تعلق با رضایت از زندگی، حرمت خود، عاطفه مثبت، شادکامی، سرزندگی و بهزیستی روان‌شناختی (می یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ نیمیک و همکاران، ۲۰۰۹؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶) رابطه مثبت و با

افسردگی، عاطفه منفی و اضطراب (کشدان و همکاران، ۲۰۰۹؛ نیمیک و همکاران، ۲۰۰۹؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶؛ وی و همکاران، ۲۰۰۵) رابطه منفی داشتند.

جانستون و فینی (۲۰۱۰) نیز با تحلیل عاملی این مقیاس، شواهد بیشتری در زمینه تأیید نسبی تمایز نیازهای بنیادین و چند بعدی بودن مقیاس BNSG-S ارائه کردند. در این پژوهش، گرچه ماهیت چند بعدی نیازها تأیید شد، هیچ یک از مدل‌های تک عاملی و سه عاملی با داده‌های اصلی برازش نداشتند و تنها پس از بررسی و تعدیل الگوهای نابرازنده، ۱۶ گویه از ۲۱ گویه با مدل سه عاملی به سطح قابل قبولی از برازش رسید. روایی بیرونی مقیاس بر حسب روابط متفاوت بین نیازهای سه‌گانه و شاخص‌های بهزیستی و نگرانی در جهت تمایز نیازهای بنیادین، تأیید شد (جانستون و فینی، ۲۰۱۰). با توجه به این که شواهد ارائه شده نه از ماهیت ابعادی نیازها به طور قطعی حمایت می‌کنند و نه از تمایز نیازها، تأیید و تعمیم ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس BNSG-S، مستلزم پژوهش‌های بیشتر است.

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی پایایی، روایی و تحلیل عاملی فرم فارسی مقیاس BNSG-S در نمونه‌ای از جمعیت دانشجویی بود. این پژوهش می‌تواند مقیاسی معتبر در زمینه سنجش نیازهای بنیادین خود پیروی، شایستگی و تعلق در اختیار پژوهشگران حوزه‌های مختلف روان‌شناسی از جمله روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی شخصیت، روان‌شناسی بالینی، و روان‌شناسی تربیتی قرار دهد.

## روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش - ۵۹۸ دانشجویان از دانشگاه‌های شهر تهران به صورت داوطلب در این پژوهش شرکت کردند. شرایط لازم برای شرکت در پژوهش عبارت بودند از: الف) رضایت داوطلب برای شرکت در پژوهش؛ ب) اشتغال به تحصیل در مقطع کارشناسی؛ ج) نداشتن بیماری روانپزشکی و یا پزشکی مستلزم مصرف دارو در زمان انجام پژوهش. پس از جلب مشارکت آزمودنی‌ها، فرم ۲۱ گویه‌ای مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی (BNSG-S؛ گنیه، ۲۰۰۳)، زیر مقیاس‌های برون‌گرایی و

نوروزگرایی از فرم ۴۸ سؤالی پرسشنامه تجدید نظر شده شخصیت آیسنک<sup>۱</sup> (EPQ-RS)؛ آیسنک و همکاران، ۱۹۸۵؛ بخشی پور و باقریان خسروشاهی، ۱۳۸۵)، فهرست عواطف مثبت و منفی<sup>۲</sup> (PANAS؛ واتسون و همکاران، ۱۹۸۸) و مقیاس سلامت روانی<sup>۳</sup> (MHI-28؛ بشارت، ۱۳۸۸) در مورد داوطلبان در کلاس‌های درسی و فضاهای آموزشی دانشکده‌ها اجرا شد. به منظور کنترل اثر ترتیب و خستگی، مقیاس‌ها به تناسب با ترتیب‌های متفاوت ارائه شدند. تعداد ۱۴ آزمودنی به دلیل پاسخ ناقص به مقیاس‌ها از تحلیل‌های آماری کنار گذاشته شدند و بدین ترتیب **نمونه پژوهش** به ۵۸۴ نفر (۲۷۳ پسر، ۳۱۱ دختر) تقلیل یافت. میانگین سنی کل آزمودنی‌ها ۲۴/۲۰ سال با دامنه ۱۸ تا ۲۸ سال و انحراف استاندارد ۳/۶۵، میانگین سن دانشجویان پسر ۲۴/۹۰ سال با دامنه ۱۸ تا ۲۹ سال و انحراف استاندارد ۳/۹۶ و میانگین سن دانشجویان دختر ۲۳/۵۰ سال با دامنه ۱۸ تا ۲۶ سال و انحراف استاندارد ۳/۲۰ بود.

#### ابزار سنجش

مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی (BNSG-S) - مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی، از ۲۱ گویه تشکیل شده است و ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را در سطح عمومی اندازه‌گیری می‌کند. گویه‌های آزمون سه زیرمقیاس خود پیروی، شایستگی، و تعلق (پیوستگی) را در اندازه‌های هفت درجه ای لیکرت از نمره یک (اصلاً درست نیست) تا نمره هفت (کاملاً درست است) می‌سنجد (گنیه، ۲۰۰۳). نمره بالاتر در هر مقیاس نشان دهنده سطح بالاتر ارضای آن نیاز است. ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی در پژوهش‌های خارجی به صورت مقدماتی مورد تأیید قرار گرفته است (جانستون و فیلی، ۲۰۱۰؛ کشدان و همکاران، ۲۰۰۹؛ گنیه، ۲۰۰۳؛ می‌یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ نیمیک و همکاران، ۲۰۰۹؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶؛ وی و

1. Eysenck Personality Questionnaire-Revised Short Scale

2. Positive and Negative Affect Schedule

3. Mental Health Inventory (MHI-28)

همکاران، ۲۰۰۵). پس از ترجمه فارسی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی، نسخه ترجمه شده ابتدا با همکاری دو نفر از متخصصان روان‌شناسی بررسی و اصلاح شد، سپس برای اطمینان بیشتر در مورد صحت ترجمه و مطابقت دو نسخه انگلیسی و فارسی، در اختیار دو نفر از متخصصان زبان انگلیسی قرار داده شد تا با استفاده از روش ترجمه معکوس<sup>۱</sup> آن را به فارسی برگردانند. بدین ترتیب، پس از چند مرحله بررسی، بازبینی و اعمال تغییرات و اصلاحات، و تأیید نهایی، بررسی پایایی<sup>۲</sup>، روایی<sup>۳</sup> و تحلیل عاملی فرم فارسی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی در پژوهش حاضر آغاز گردید.

پرسشنامه تجدیدنظر شده شخصیت آیسنک (EPQ-RS) - فرم کوتاه پرسشنامه تجدیدنظر شده شخصیت آیسنک (آیسنک و همکاران، ۱۹۸۵) یک ابزار خودسنجی ۴۸ سؤالی است و سه بعد اصلی شخصیت شامل برونگرایی، نوروگرایی و پسیکوزگرایی را در افراد سنین ۱۶ تا ۷۰ سال با سیستم نمره دهی بلی و خیر می‌سنجد. این پرسشنامه، همچنین یک مقیاس دروغ سنج دارد که گرایش به خوب‌تر نمایی را اندازه می‌گیرد. هر یک از زیرمقیاس‌های پرسشنامه از ۱۲ سؤال تشکیل شده است. ضرایب پایایی زیرمقیاس‌ها به روش همسانی درونی<sup>۴</sup>، به ترتیب برای مردان و زنان در برونگرایی ۰/۸۸ و ۰/۸۴؛ در نوروگرایی ۰/۸۴ و ۰/۸۰؛ در پسیکوزگرایی ۰/۶۲ و ۰/۶۱؛ و در دروغ سنج ۰/۷۷ و ۰/۷۳ گزارش شده است. همبستگی زیرمقیاس‌های دو فرم کوتاه و بلند پرسشنامه شخصیت آیسنک رضایت بخش و ساختار چهار عاملی آنها برآزش یافته گزارش شده است (آلکسوپولس و کالایترز، ۲۰۰۴؛ آلوچا، گارسیا و گارسیا، ۲۰۰۳؛ به نقل از بخشی پور و باقریان خسروشاهی، ۱۳۸۵). در فرم فارسی ۴۸ سؤالی پرسشنامه تجدیدنظر شده شخصیت آیسنک، ضرایب همسانی درونی و پایایی بازآزمایی<sup>۵</sup> برای سه زیرمقیاس برونگرایی، نوروگرایی و دروغ سنج رضایت بخش و برای زیرمقیاس پسیکوزگرایی

1. back translation
2. reliability
3. validity
4. internal consistency
5. test-retest reliability



ضعیف گزارش شده است (بخشی پور و باقریان خسروشاهی، ۱۳۸۵). نتایج تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی، ساختار چهار عاملی فرم فارسی پرسشنامه را تأیید کردند، گرچه شاخص‌های برازش عامل‌ها چندان رضایت بخش نبودند (بخشی پور و باقریان خسروشاهی، ۱۳۸۵). در این پژوهش، از دو زیر مقیاس برونگرایی و نوروزگرایی پرسشنامه استفاده شده است.

**فهرست عواطف مثبت و منفی - فهرست عواطف مثبت و منفی (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸)** مقیاسی است متشکل از ۱۰ عاطفه مثبت و ۱۰ عاطفه منفی. این فهرست دو زیر مقیاس عاطفه مثبت و عاطفه منفی را، به منزله دو بعد متعامد<sup>۱</sup>، در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در هر یک از زیر مقیاس‌های فهرست به ترتیب ۱۰ و ۵۰ خواهد بود. فهرست عواطف مثبت و منفی، بر حسب دستورالعمل اجرایی تعیین شده برای آزمودنی، عواطف مثبت و منفی را به دو صورت صفت<sup>۲</sup> و/یا حالت<sup>۳</sup> می‌سنجد. ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های عاطفه مثبت از ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ و برای عاطفه منفی از ۰/۸۴ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (گومز، کوپر و گومز، ۲۰۰۰؛ واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). پایایی بازآزمایی فهرست عواطف مثبت و منفی در یک دوره دو ماهه برای عاطفه مثبت ۰/۶۸ و برای عاطفه منفی ۰/۷۱ محاسبه شده است (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). روایی فهرست عواطف مثبت و منفی نیز از طریق ضرایب همبستگی زیر مقیاس‌های عاطفه مثبت و عاطفه منفی با مقیاس افسردگی بک به ترتیب ۰/۳۶- و ۰/۵۸ و با زیر مقیاس اضطراب آشکار در پرسشنامه اضطراب آشکار-نهان به ترتیب ۰/۳۵- و ۰/۵۱ گزارش شده است (واتسون و همکاران، ۱۹۸۸). نتایج به دست آمده در پژوهشی که بخشی پور و دژکام (۱۳۸۴) در مورد یک نمونه دانشجویی مبتلا به اختلال‌های افسردگی و اضطرابی انجام دادند، ساختار دو عاملی فهرست عواطف مثبت و منفی را تأیید کرد و ضرایب آلفای کرونباخ برای هر دو زیر مقیاس ۰/۸۷ محاسبه شد. بر

---

1. orthogonal

2. trait

3. state

اساس یافته‌های این پژوهش، فهرست عواطف مثبت و منفی می‌تواند بین بیماران افسرده و مضطرب تمایز ایجاد کند. ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی در چندین پژوهش دیگر نیز، که در خلال سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۵ در نمونه‌های بیمار و بهنجار انجام شده‌اند، مورد بررسی و تأیید قرار گرفته‌اند (بشارت، ۱۳۸۷). در این پژوهش‌ها، ضرایب آلفای کرونباخ برای پرسش‌های عاطفه مثبت از ۰/۸۳ تا ۰/۹۱ و برای عاطفه منفی از ۰/۸۱ تا ۰/۸۹ برای بیماران به دست آمد. این ضرایب در نمونه‌های بهنجار برای پرسش‌های عاطفه مثبت از ۰/۸۵ تا ۰/۹۰ و برای عاطفه منفی از ۰/۸۳ تا ۰/۸۸ محاسبه شد. این ضرایب که همه در سطح  $P < ۰/۰۰۱$  معنادار بودند، همسانی درونی زیرمقیاس‌های فهرست عواطف مثبت و منفی را تأیید می‌کنند. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۸۴ نفر از نمونه‌های بیمار در دو نوبت با فاصله چهار تا شش هفته برای عاطفه مثبت از ۰/۶۹ تا ۰/۷۳ و برای عاطفه منفی از ۰/۶۷ تا ۰/۷۰ محاسبه شد و در مورد نمره‌های ۲۳۳ نفر از نمونه‌های بهنجار در همین فاصله زمانی برای عاطفه مثبت از ۰/۶۶ تا ۰/۷۱ و برای عاطفه منفی از ۰/۶۹ تا ۰/۷۴ به دست آمد. این ضرایب که همه در سطح  $P < ۰/۰۰۱$  معنادار بودند، پایایی بازآزمایی فهرست عواطف مثبت و منفی را تأیید می‌کنند. روایی همگرا<sup>۱</sup> و تشخیصی (افتراقی)<sup>۲</sup> نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی از طریق اجرای همزمان مقیاس افسردگی بک<sup>۳</sup>، مقیاس اضطراب بک<sup>۴</sup> و مقیاس سلامت روانی در مورد آزمودنی‌های دو گروه بیمار و بهنجار محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت. ضرایب همبستگی زیر مقیاس‌های عاطفه مثبت و عاطفه منفی به ترتیب با مقیاس افسردگی بک ۰/۴۴- و ۰/۵۳، با مقیاس اضطراب بک ۰/۳۸- و ۰/۴۷، با درماندگی روان‌شناختی ۰/۴۲- و ۰/۵۱ و با بهزیستی روان‌شناختی ۰/۵۴ و ۰/۴۳- به دست آمد. این ضرایب در سطح  $P < ۰/۰۰۱$  معنادار بودند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز با تعیین دو عامل عاطفه مثبت و عاطفه منفی،

- 
1. convergent
  2. discriminant
  3. Beck Depression Inventory
  4. Beck Anxiety Inventory

روایی سازه<sup>۱</sup> نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی را مورد تأیید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۷).

مقیاس سلامت روانی (MHI-28) - مقیاس سلامت روانی - ۲۸ (بشارت، ۱۳۸۸)، فرم کوتاه مقیاس ۳۴ سؤالی سلامت روانی (بشارت، ۱۳۸۵؛ ویت و ویر، ۱۹۸۳)، یک آزمون ۲۸ سؤالی است و دو وضعیت بهزیستی روان‌شناختی<sup>۲</sup> و درماندگی روان‌شناختی<sup>۳</sup> را در اندازه‌های پنج درجه‌ای لیکرت از نمره ۱ تا ۵ می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی به ترتیب ۱۴ و ۷۰ خواهد بود. ویژگی‌های روان‌سنجی فرم ۲۸ سؤالی این مقیاس، در نمونه‌ای متشکل از هفتصد و شصت آزمودنی در دو گروه بیمار (n= ۲۷۷؛ ۱۷۳ زن، ۱۰۴ مرد) و بهنجار (n= ۴۸۳؛ ۲۶۷ زن، ۲۱۶ مرد) مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی برای نمره آزمودنی‌های بهنجار به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۱ و برای نمره آزمودنی‌های بیمار به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۰ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس هستند. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از آزمودنی‌های بهنجار (n= ۹۲) در دو نوبت با فاصله دو هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی به ترتیب  $r = 0.90$  و  $r = 0.89$  و در سطح  $P < 0.001$  معنادار بودند که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است. ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از آزمودنی‌های بیمار (n= ۷۶) نیز در دو نوبت با فاصله یک تا دو هفته برای ارزیابی پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی به ترتیب  $r = 0.83$  و  $r = 0.88$  و در سطح  $P < 0.001$  معنادار بودند که نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است. روایی همزمان<sup>۴</sup> مقیاس سلامت روانی - ۲۸ از طریق اجرای همزمان پرسشنامه

1. construct validity
2. psychological well-being
3. psychological distress
4. concurrent validity

سلامت عمومی<sup>۱</sup> (گلدبرگ، ۱۹۷۲، ۱۹۸۸) در مورد همه آزمودنی‌های دو گروه محاسبه شد. نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره کلی آزمودنی‌ها در پرسشنامه سلامت عمومی با زیر مقیاس بهزیستی روان‌شناختی همبستگی منفی معنادار ( $r = -0.01, P < 0.001$ )، و با زیر مقیاس درماندگی روان‌شناختی همبستگی مثبت معنادار ( $r = 0.01, P < 0.001$ ) وجود دارد. این نتایج روایی همزمان مقیاس سلامت روانی را تأیید می‌کنند. روایی تفکیکی مقیاس سلامت روانی از طریق مقایسه نمره‌های بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی دو گروه بیمار و بهنجار محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نیز دو زیرمقیاس بهزیستی روان‌شناختی و درماندگی روان‌شناختی را مورد تأیید قرار داد (بشارت، ۱۳۸۸).

#### یافته‌ها

جدول ۱ شاخص‌های آماری آزمودنی‌ها را در مورد نمره‌های مقیاس‌های ارضای نیازهای بنیادین عمومی، شخصیت، عواطف مثبت و منفی و سلامت روانی نشان می‌دهد.

جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و نتایج آزمون  $t$  نمره‌های مقیاس‌های ارضای نیازهای بنیادین

عمومی، شخصیت، عواطف مثبت و منفی و سلامت روانی برای دختران و پسران

متغیر	پسران		دختران		کل		p
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
خود پیروی	۳۷/۲۰	۸/۵۸	۳۴/۴۲	۹/۱۵	۳۵/۷۲	۸/۹۹	۰/۰۰۱
شایستگی	۳۲/۰۲	۸/۲۴	۳۰/۸۲	۸/۳۴	۳۱/۳۸	۸/۲۵	۰/۰۷۲
تعلق	۴۰/۵۹	۱۰/۶۵	۴۲/۹۰	۹/۸۶	۴۱/۸۲	۱۰/۲۹	۰/۰۰۶
برونگرایی	۸/۱۷	۳/۰۷	۸/۶۴	۳/۰۵	۸/۴۲	۳/۰۴	۰/۰۵۸
نوروزگرایی	۶/۳۳	۲/۷۰	۶/۵۴	۲/۴۴	۶/۴۴	۲/۵۷	۰/۳۱۱
عاطفه مثبت	۳۳/۵۳	۸/۸۹	۳۴/۳۴	۸/۰۳	۳۳/۹۶	۸/۳۰	۰/۲۵۱

#### 1. General Health Questionnaire

۰/۰۰۱	۴/۴۸	۱۸/۳۴	۴/۴۲	۱۷/۶۷	۴/۴۴	۱۹/۱۰	عاطفه منفی
۰/۲۱۲	۱۱/۳۸	۵۲/۸۷	۱۱/۶۳	۵۲/۳۱	۱۱/۱۹	۵۳/۵۰	بهزیستی روان‌شناختی
۰/۳۵۵	۸/۶۶	۳۱/۳۶	۸/۹۲	۳۱/۶۷	۸/۳۵	۳۱/۰۰	درماندگی روان‌شناختی

مقایسه نمره‌های دختران و پسران در مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی نشان داد که میانگین نمره پسران در زیرمقیاس خود پیروی به صورت معنادار از میانگین نمره دختران در این زیرمقیاس بیشتر است؛ میانگین نمره دختران در زیرمقیاس تعلق به صورت معنادار از میانگین نمره پسران در این زیرمقیاس بیشتر است، اما در زیرمقیاس شایستگی بین دو جنس تفاوت معنادار نیست.

### روایی

به منظور بررسی روایی سازه<sup>۱</sup> مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی، از تحلیل عاملی اکتشافی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی<sup>۲</sup> برای کل ۵۸۴ شرکت کننده در پژوهش استفاده شد. در تحلیل چرخش نایافته<sup>۳</sup>، بار عاملی اکثر گویه‌های مقیاس روی یک عامل کلی (نیازهای بنیادین عمومی) قرار گرفت. آزمون اسکری<sup>۴</sup> (کتل، ۱۹۶۶)، که تعداد تقریبی عامل‌ها را پیشنهاد می‌کند، نشان داد که سه عامل قابل استخراج است. به دلیل همبستگی مثبت عوامل (زیرمقیاس‌های) نیازهای بنیادین عمومی، تحلیل عوامل داده‌ها با روش چرخش متمایل<sup>۵</sup> انجام شد. نتایج چرخش متمایل نشان داد که سه عامل خود پیروی، شایستگی، و تعلق (پیوستگی) وجود دارند و ۵۳/۶۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. جدول ۲ بار عاملی گویه‌های هر یک از عوامل را نشان می‌دهد.

روایی همگرا و تشخیصی (افتراقی) مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی از طریق اجرای همزمان زیرمقیاس‌های برون‌گرایی و نوروگرایی پرسشنامه تجدیدنظر شده

1. construct validity
2. principal components analysis
3. unrotated solution
4. scree test
5. oblique rotation

شخصیت آیسنگک، عواطف مثبت و منفی و مقیاس سلامت روانی در مورد آزمودنی‌ها محاسبه شد.

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل عاملی سؤال‌های مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی

تعلق		شایستگی		خودپروی	
بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه	بار عاملی	گویه
۰/۷۰	۲	۰/۶۷	۳	۰/۶۴	۱
۰/۴۴	۶	۰/۵۵	۵	۰/۷۱	۴
۰/۵۶	۷	۰/۷۲	۱۰	۰/۰/۵۹	۸
۰/۷۳	۹	۰/۶۶	۱۳	۰/۴۸	۱۱
۰/۶۷	۱۲	۰/۴۷	۱۵	۰/۵۷	۱۴
۰/۵۸	۱۶	۰/۵۳	۱۹	۰/۴۹	۱۷
۰/۴۹	۱۸			۰/۶۳	۲۰
۰/۶۱	۲۱				

نتایج ضرایب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمره آزمودنی‌ها در زیر مقیاس‌های ارضای نیازهای بنیادین عمومی با شاخص‌های برون‌گرایی، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی همبستگی مثبت معنادار و با شاخص‌های نوروگرایی، عاطفه منفی و درماندگی روان‌شناختی همبستگی منفی معنادار وجود دارد (جدول ۳). این نتایج، روایی همگرا و تشخیصی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی را تأیید می‌کنند.

جدول ۳. ضرایب همبستگی پیرسون بین زیر مقیاس‌های ارضای نیازهای بنیادین عمومی با برون‌گرایی، نوروگرایی، عواطف مثبت و منفی و سلامت روانی برای بررسی روایی همگرا و

تشخیصی مقیاس

متغیر	خودپروی	شایستگی	تعلق
برون‌گرایی	۰/۳۷	۰/۵۰	۰/۴۶
نوروگرایی	-۰/۳۳	-۰/۴۴	-۰/۶۲
عاطفه مثبت	۰/۳۵	۰/۴۹	۰/۴۷

عاطفه منفی	-۰/۲۷	-۰/۲۶	-۰/۳۵
بهبودی روان‌شناختی	۰/۳۱	۰/۳۷	۰/۲۴
درماندگی روان‌شناختی	-۰/۴۰	-۰/۳۹	-۰/۴۳

همه ضرایب معنادار هستند ( $p \leq 0/001$ ).

### همسانی درونی

برای سنجش همسانی درونی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی از ضریب آلفای کرونباخ (۱۹۷۰) در مورد نمره‌های آزمودنی‌ها استفاده شد. ضرایب آلفای کرونباخ پرسش‌های هر یک از مقیاس‌های ارضای نیازهای بنیادین عمومی، برای نمونه ۱۲۷ نفری آزمودنی‌ها در نوبت اول به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۵ و ۰/۸۶ و در نوبت دوم به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۵ و ۰/۸۳ محاسبه شد (جدول ۴). ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های ارضای نیازهای بنیادین عمومی برای کل آزمودنی‌ها ( $n = 584$ ) به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳ و ۰/۹۱ محاسبه شد. این ضرایب نشانه همسانی درونی رضایت بخش مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی است.

### پایایی بازآزمایی

ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۱۲۷ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی محاسبه شد. این ضرایب برای خود پیروی  $r = 0/77$ ، برای شایستگی  $r = 0/71$ ، و برای تعلق  $r = 0/67$  به دست آمد و در سطح  $p < 0/001$  معنادار بودند. این ضرایب نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی هستند (جدول ۴).

جدول ۴. ضرایب آلفای کرونباخ و همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در مقیاس ارضای نیازهای

بنیادین عمومی در نوبت اول و دوم ( $n = 127$ )

بازآزمایی	نوبت دوم			نوبت اول			متغیر
	آلفا	انحراف معیار	میانگین	آلفا	انحراف معیار	میانگین	
خودپیروی	۰/۷۳	۰/۷۶	۸/۶۸	۰/۷۷	۸/۸۳	۳۵/۵۷	

۰/۷۱	۰/۷۵	۸/۶۳	۳۱/۵۵	۰/۷۵	۸/۴۴	۳۰/۹۶	شایستگی
۰/۶۷	۰/۸۳	۱۰/۳۵	۴۲/۰۵	۰/۸۶	۱۰/۱۷	۴۱/۸۳	تعلق

همه ضرایب معنادار هستند ( $p \leq 0/001$ ).

### بحث و نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاضر مشخصه‌های روان‌سنجی فرم فارسی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را در نمونه‌ای از جمعیت دانشجویی تأیید کرد. نتایج مربوط به روایی سازه مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی علاوه بر عامل کلی نیازهای بنیادین عمومی، وجود سه عامل خود پیروی، شایستگی و تعلق (پیوستگی) را تأیید کرد. این سه عامل روی هم رفته توانستند ۵۳/۶۰ درصد واریانس کل را تبیین کنند. این یافته‌ها، در کل با نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه ساختار عاملی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی (جانستون و فینی، ۲۰۱۰؛ کشدان و همکاران، ۲۰۰۹؛ گنیه، ۲۰۰۳؛ می‌یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ نیمیک و همکاران، ۲۰۰۹؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶؛ وی و همکاران، ۲۰۰۵) (۲۰۰۵)، مطابقت می‌کنند، اما بیست و یک گویه فرم فارسی در ۴ مورد با گویه‌های مقیاس گنیه (۲۰۰۳) متفاوت بود. شماره گویه‌های متفاوت در فرم‌های فارسی و انگلیسی به ترتیب عبارتند از: ۶، ۱۱، ۱۵ و ۱۸.

روایی همگرا و تشخیصی (افتراقی) مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی از طریق اجرای همزمان زیرمقیاس‌های برون‌گرایی و نوروگرایی پرسشنامه تجدید نظر شده شخصیت آیسنک، عواطف مثبت و منفی و مقیاس سلامت روانی در مورد آزمودنی‌ها محاسبه شد. ضرایب همبستگی میانگین نمره‌های آزمودنی‌ها در زیرمقیاس‌های ارضای نیازهای بنیادین با شاخص‌های برون‌گرایی، عاطفه مثبت و بهزیستی روان‌شناختی مثبت معنادار و با شاخص‌های نوروگرایی، عاطفه منفی و درماندگی روان‌شناختی منفی معنادار بود. بر اساس این نتایج، فرم فارسی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین از روایی کافی برخوردار است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های انجام شده، در زمینه روایی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین (جانستون و فینی، ۲۰۱۰؛ کشدان و همکاران، ۲۰۰۹؛ گنیه، ۲۰۰۳؛ می‌یر و



همکاران، ۲۰۰۷؛ نیمیک و همکاران، ۲۰۰۹؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶؛ وی و همکاران، ۲۰۰۵) مطابقت می‌کند.

همسانی درونی ماده‌های مقیاس ارضای نیازهای بنیادین و زیرمقیاس‌های آن بر حسب ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مورد تأیید قرار گرفت. پایایی بازآزمایی مقیاس بر حسب محاسبه ضرایب همبستگی بین نمره‌های تعدادی از دانشجویان در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای زیرمقیاس‌های خود پیروی، شایستگی و تعلق در سطح  $p < 0/001$  معنادار محاسبه شد. این ضرایب نشانه پایایی بازآزمایی رضایت بخش مقیاس است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های انجام شده در مورد مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین عمومی (جانستون و فینی، ۲۰۱۰؛ کشدان و همکاران، ۲۰۰۹؛ گنیه، ۲۰۰۳؛ می‌یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ نیمیک و همکاران، ۲۰۰۹؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶؛ وی و همکاران، ۲۰۰۵) مطابقت می‌کند.

بیامدهای این پژوهش در دو سطح نظری و عملی قابل استفاده خواهند بود. در سطح نظری، یافته‌های پژوهش با تأیید نیازهای بنیادین روان‌شناختی خود پیروی، شایستگی و تعلق، از شواهد موجود در مورد تمایز بین این نیازها (تورگرسن - تومانی و تومانیس، ۲۰۰۷؛ کانروی و کوتسورث، ۲۰۰۷الف، ۲۰۰۷ب؛ کشدان و همکاران، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹؛ گنیه، ۲۰۰۳؛ می‌یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶؛ وی و همکاران، ۲۰۰۵) حمایت می‌کنند. این یافته‌ها، همچنین می‌توانند برای غنی‌سازی نظریه‌های نیاز محور (برای مثال، دسی و رایان، ۲۰۰۰؛ مزلو، ۱۹۷۰؛ مک‌کلند، ۱۹۶۵؛ موری، ۱۹۳۸؛ هال، ۱۹۴۳) مورد استفاده قرار گیرند. توجه به مفهوم نیازهای بنیادین روان‌شناختی در نظریه‌های مرتبط با شخصیت، تحول و آسیب‌شناسی روانی، این نظریه‌ها را در شناخت، تبیین و تفسیر ابعاد مختلف نیازها و نقش آنها در شکل‌گیری فرایندهای بهنجار و نابهنجار در زمینه‌های درون‌شخصی و بین‌شخصی (فردی و اجتماعی)، موفق‌تر و توانمندتر می‌سازد.

در سطح عملی، با استناد به یافته‌های فعلی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین، می‌توان از

این ابزار در پژوهش‌های مربوط به نیازهای اصلی روان‌شناختی استفاده کرد. گرچه پژوهش حاضر در مورد نمونه‌ای خاص از جمعیت دانشجویی انجام شده است، اما با توجه به شواهد پژوهشی موجود در مورد اهمیت بررسی نیازهای بنیادین (توگرسن - تومانی و تومانیس، ۲۰۰۷؛ جانستون و فینی، ۲۰۱۰؛ دسی و همکاران، ۲۰۰۱؛ ریس و همکاران، ۲۰۰۰؛ شلدون و نیمیک، ۲۰۰۶؛ شلدون و همکاران، ۲۰۰۱؛ کشدان و همکاران، ۲۰۰۹؛ گنیه، ۲۰۰۳؛ می‌یر و همکاران، ۲۰۰۷؛ نیمیک و همکاران، ۲۰۰۹؛ ونستینکیس و همکاران، ۲۰۰۶؛ وی و همکاران، ۲۰۰۵)، می‌توان از این مقیاس برای پژوهش‌های اکتشافی استفاده کرد.

نتایج پژوهش حاضر در تأیید پایایی، روایی و ساختار عاملی فرم فارسی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی در عین حال با محدودیت‌های خاص مقدماتی بودن این مشخصه‌ها همراه است. این محدودیت‌ها، مخصوصاً در زمینه بررسی انواع روایی یک مقیاس که فرایندی مستمر است، بیشتر نمایان می‌شوند. بر این اساس تدارک طرح‌های پژوهشی به منظور تکمیل فرایند اعتباریابی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین و حتی تکرار بعضی پژوهش‌ها برای تأیید یافته‌های فعلی و بررسی دقیق‌تر میزان همبستگی‌های محاسبه شده در این پژوهش، به عنوان یک ضرورت پیشنهاد می‌شود. پژوهش‌های مربوط به مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین در مورد نمونه‌های مختلف بهنجار و بالینی نیز گام‌های دیگری هستند که باید برداشته شوند. انجام چنین پژوهش‌هایی، مقدمات لازم برای هنجاریابی فرم فارسی مقیاس ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی را، به عنوان فرایندی متمایز از اعتباریابی، در آینده فراهم خواهد ساخت.

### تقدیر و تشکر

این تحقیق در قالب طرح پژوهشی شماره ۵۱۰۶۰۰۳/۱/۴۵ با استفاده از اعتبارات پژوهشی دانشگاه تهران انجام شده است. از اساتید و مسئولان ذی‌ربط دانشگاه تهران، همچنین از کسانی که به عنوان آزمودنی و پرسشگر در این پژوهش شرکت کردند و با همکاری صادقانه آنها این پژوهش انجام شد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

## منابع

- بخشی پور، عباس و باقریان خسروشاهی، صنم (۱۳۸۵). ویژگی‌های روان‌سنجی پرسشنامه تجدید نظر شده شخصیت آیسنک-فرم کوتاه (EPQ-RS). *روانشناسی معاصر*، ۲، ۱۲-۳.
- بخشی پور، عباس؛ دژکام، محمود (۱۳۸۴). تحلیل عاملی مقیاس عاطفه مثبت و منفی. *مجله روانشناسی*، ۳۶، ۳۵۱-۳۶۵.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۵). پایایی و اعتبار مقیاس سلامت روانی (MHI)، فصلنامه دانشور رفتار، ۱۶، ۱۶-۱۱.
- بشارت، محمد علی (۱۳۸۷). بررسی ویژگیهای روانسنجی نسخه فارسی فهرست عواطف مثبت و منفی. گزارش پژوهشی، دانشگاه تهران.
- بشارت، محمدعلی (۱۳۸۸). پایایی و روایی فرم ۲۸ سولی مقیاس سلامت روانی در جمعیت ایرانی. *مجله علمی پزشکی قانونی*، ۵۴، ۹۱-۸۷.
- Baard, P. P., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2004). Intrinsic need satisfaction: A motivational basis of performance and well-being in two work settings. *Journal of Applied Social Psychology*, 34, 2045-2068.
- Baumeister, R. F., & Leary, M. R. (1995). The need to belong: Desire for interpersonal attachments as a fundamental human motivation. *Psychological Bulletin*, 117, 497-529.
- Conroy, D. E., & Coatsworth, J. D. (2007a). Assessing autonomy-supportive coaching strategies in youth sport. *Psychology of Sport and Exercise*, 8, 671-684.
- Conroy, D. E., & Coatsworth, J. D. (2007b). Coaching behaviors associated with changes in fear of failure: Changes in self-talk and need satisfaction as potential mechanisms. *Journal of Personality*, 75, 383-419.
- Cronbach, L. J. (1970). *Essentials of psychological testing*. New York: Harper and Row International.
- DeCharms, R. (1968). *Personal causation*. New York: Plenum.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). The general causality orientations scale: Self-determination in personality: *Journal of Research in Personality*, 19, 109-134.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological*

*Inquiry, 11, 227-268.*

- Deci, E. L., Ryan, R. M., & Gagne, M., Leone, D. R., Usunov, J., & Kornazheva, B. P. (2001). Need satisfaction, motivation, and well-being in the work organizations of a former eastern bloc country: A cross-cultural study of self-determination. *Personality and Psychology Bulletin, 27*, 930-942.
- Eysenck, S. B. J., Eysenck, H. J., & Barrett, P. (1985). A revised version of the psychoticism scale. *Personality and Individual Differences, 6*, 21-29.
- Gagne, M. (2003). The role of autonomy support and autonomy orientation in prosocial behavior engagement. *Motivation and Emotion, 27*, 199-223.
- Goldberg, D. P. (1972). The detection of psychiatric illness by questionnaire. *Maudsley Monograph, 21*, Oxford: Oxford University Press.
- Goldberg, D. P., & Williams, P. (1988). *A users' guide to the Genral Health Questionnaire*. UK: NFER, Nelson.
- Gomez, R., Cooper, A., & Gomez, A. (2000). Susceptibility to positive and negative mood states: test of Eysenck's, Gray's and Newman's theories. *Personality and Individual Differences, 29*, 351-365.
- Hall, C. L. (1943). *Principles of behavior: An introduction to behavior theory*. New York: Appleton-Century-Crofts.
- Harlow, H. F. (1958). The nature of love. *American Psychologist, 13*, 673-685.
- Harter, S. (1978). Effectance motivation reconsidered: Toward a developmental model. *Human Development, 21*, 34-64.
- Johnston, M. M., & Finney, S. J. (2010). Measuring basic needs satisfaction: Evaluating previous research and conducting new psychometric evaluations of the Basic Needs Satisfaction in General Scale. *Contemporary Educational Psychology*, in press.
- Kashdan, T. B., Julian, T., Merritt, K., & Uswatte, G. (2006). Social anxiety and posttraumatic stress in combat veterans: Relations to well-being and character strenghts. *Behaviour Research and Therapy, 44*, 561-583.
- Maslow, A. H. (1970). *Motivation and personality* (2<sup>nd</sup> ed.). New York: Harpers and Row.
- McClelland, D. C. (1965). Toward a theory of motive acquisition. *American Psychologist, 20*, 321-333.
- Meyer, B., Enstorm, M. K., Harstveit, M., Bowles, D. P., & Beevers, C. G.

- (2007). Happiness and despair on the catwalk: Need satisfaction, well-being, and personality adjustment among fashion models. *The Journal of Positive Psychology, 2*, 2-17.
- Murray, H. A. (1938). *Explorations in personality*. New York: Oxford University Press.
- Niemiec, C. P., Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2009). The path taken: Consequences of attaining intrinsic and extrinsic aspirations in post-college life. *Journal of Research in Personality, 43*, 291-306.
- Reis, H., Sheldon, K., Gable, S., Roscoe, J., & Ryan, R. (2000). Daily well-being: The role of autonomy, competence, and relatedness. *Personality and Social Psychology Bulletin, 26*, 419-435.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000a). Intrinsic and extrinsic motivations: Classic definitions and new directions. *Contemporary Educational Psychology, 25*, 54-67.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000c). The darker and brighter sides of human existence: Basic psychological needs as a unifying concept. *Psychological Inquiry, 11*, 319-338.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2002). Overview of self-determination theory: An organismic dialectical perspective. In E. L. Deci & R. M. Ryan (Eds.), *Handbook of self-determination research* (pp. 3-33). Rochester, NY: University of Rochester Press.
- Sheldon, K. M., Elliot, A. J., Kim, Y., & Kasser, T. (2001). What is satisfying about satisfying events? Testing 10 candidate psychological needs. *Journal of Personality and Social Psychology, 80*, 325-339.
- Sheldon, K. M., & Niemiec, C. P. (2006). It's not just the amount that counts: Balanced need satisfaction also affects well-being. *Journal of Personality and Social Psychology, 91*, 331-341.
- Thogersen-Ntoumani, C., & Ntoumanis, N. (2007). A self-presentation theory approach to the study of body image concerns, self-presentation and self-perceptions in a sample of aerobic instructors. *Journal of Health Psychology, 12*, 301-315.
- Vansteenkiste, M., Lens, W., Soenens, B., & Luyckx, K. (2006). Autonomy and relatedness among chinese sojourners and applicants: Conflictual or independent predictors of well-being and adjustment? *Motivation and Emotion, 30*, 273-282.
- Veit, C. T., & Ware, J. E. (1983). The structure of psychological distress and well-being in general population. *Journal of Consulting and Clinical Psychology, 51*, 730-742.

- 
- Watson, D., Clarke, L. A., & Tellegen, A. (1988). Development and validation of brief measures of positive and negative affect: The PANAS Scales. *Journal of personality and Social Psychology*, 54, 1063-1070.
- Wei, M., Philip, A. S., Shaffer, A., Young, S. K., & Zakalik, R. A. (2005). Adult attachment, shame, depression, and loneliness: The mediation role of basic psychological needs satisfaction. *Journal of Counseling Psychology*, 52, 591-601.
- White, R. W. (1959). Motivation reconsidered: The concept of competence. *Psychological Review*, 66, 297-333.